

کتاب درسی یا رسالهٔ تحقیقی؟

M. H. Keshavarz. *Contrastive Linguistics and Error Analysis*.
Rahnema, 1372/1993, 163 pp.

زبان‌شناسی مقابله‌ای و تجزیه و تحلیل خطاهای زبانی، نوشتهٔ استاد گرانقدر آقای دکتر کشاورز از باب اینکه جزء اولین تلاش‌های منسجم و خودجوش در عرصهٔ تألیف منابع درسی برای درس تجزیه و تحلیل خطاها در سطح کارشناسی رشتهٔ تربیت دبیری زبان انگلیسی است حائز اهمیت فراوان و کوشش نویسندهٔ آن قابل تقدیر است، لیکن اثر فوق مانند هر اثر دیگری دارای نقاط قوت و ضعف است. ابتدا نگاهی اجمالی به محتوای کتاب می‌کنیم:

کتاب مورد بحث در پنج فصل تنظیم شده و حرکت آن از مبانی نظری زبان‌شناسی مقابله‌ای و خطاهای زبانی به سوی نمونه‌های ملموس خطاهای زبانی فراگیران ایرانی زبان انگلیسی است. فصل اول مروری دارد بر تاریخچهٔ زبان‌شناسی مقابله‌ای، شاخه‌های مختلف آن، گونه‌ها و تکنیک‌های تحلیل مقابله‌ای، ضعفها و قوت‌های تحلیل مقابله‌ای، الگوهای زبان‌شناسی و غیره. فصل دوم علوم روان‌شناسی و زبان‌شناسی مرتبط با تحلیل خطاها را با طرح مسائلی نظیر مفهوم یادگیری به‌طور اعم و یادگیری زبان به‌طور اخص، نظریهٔ یادگیری شناختی، دستورگشتاری - زایشی، فراگیری زبان اول و دوم و مسائل مربوط به آن، مورد بحث قرار می‌دهد. فصل سوم مسائلی را در باب خطاها، اهمیت و انواع خطاها، تفاوت خطا و اشتباه، مفاهیم مربوط به زبان بینابین مطرح می‌کند. فصل چهارم در باب جنبه‌های عملی تحلیل خطاهاست و مطالبی را در خصوص شیوه‌های عملی جمع‌آوری داده‌ها، طبقه‌بندی و تفسیر آنها بیان می‌کند. فصل پایانی دربارهٔ کاربردهای آموزشی خطاها بحث می‌کند. کتاب‌شناسی و واژه‌نامهٔ کوتاهی پایان‌بخش کتاب است.

مروری گذرا به محتوای کتاب به وضوح نشان می‌دهد که کتاب مورد بحث از جهت آرایش کلی و توالی مفاهیم مطرح شده، در سطح کلان، از پیوستگی مطلوبی برخوردار است و بدون تردید توانایی و تسلط نویسنده به زبان تخصصی انگلیسی به‌عنوان یک نویسنده غیر انگلیسی زبان شایان توجه است و به امتیازات این کتاب می‌افزاید.

علی‌رغم آنچه بیان شد، کتاب از جهاتی دارای نقاط ضعفی است که به سادگی قابل اغماض نیست. آنچه در پی می‌آید اشاره‌ای است به برخی از آن نقاط ضعف.

الف عدم رعایت زمینه مخاطبین

گرچه فرض بر این است که مخاطبین این کتاب دانشجویان ترم آخر دوره کارشناسی هستند، لیکن واقعیت این است که تعداد زیادی از آنان نه از نظر دانش زبانی لازم و نه از نظر دانش نظری زبان‌شناسی در سطحی نیستند که بسیاری از مفاهیم مطرح شده در کتاب را، بخصوص اینکه در مواردی ناشکافته و بدون ارائه تعریف یا مثالهای روشن رها شده‌اند، به آسانی درک کنند. به‌طور کلی، سبک نویسنده، سبک صرفاً تحقیقی است و نه سبک آموزشی. یک اثر صرفاً تحقیقی در عین استحکام ممکن است برای اهداف آموزشی، مثلاً به‌عنوان کتاب درسی، مناسب نباشد. مفاهیم زبان‌شناسی کاربردی نظیر تجزیه و تحلیل خطاها در موقعیتهای آموزشی بهتر است به‌عنوان "موضوع" یا "درس" مطرح شوند و نه به‌عنوان شاخه‌ای از "علم" (ویدوسون ۱۹۷۵). بخش اعظم کتاب - به‌ویژه فصلهای آغازین - از دیدگاه صرفاً "علمی" به قضیه نگاه کرده است و در نتیجه می‌توان گفت از ارزش آموزشی کمتری برخوردار است. (بحث درباره ارزش علمی کتاب مقوله دیگری است و مجال و مقال دیگری می‌طلبد.)

نمونه‌هایی از مواردی که زمینه دانش تخصصی مخاطبین در آنها نادیده گرفته شده است عبارت‌اند از:

۱. maturational process (ص ۳۶)

بدون اشاره‌ای در متن و بدون توضیح در واژه‌نامه؛

۲. "Stimulus Generalization" (ص ۱۱)

بدون توضیح در متن و در واژه‌نامه؛

۳. congruence, equivalence, correspondence (ص ۳ و ۱۹)

بدون توضیح در متن و واژه‌نامه.

ب خوانش پذیری

منظور از خوانش پذیری، درجه قابل فهم بودن متن برای یک خواننده متوسط است. تحلیل درجه خوانش پذیری بر مبنای عواملی نظیر پیچیدگی نحوی، واژگان، چگونگی توزیع اطلاعات (thematic expression)، پیوستگی موضوع و غیره امکان پذیر است (فرهادی و سایرین ۱۹۹۴ و موسوی ۱۹۹۷). بدون اینکه بخواهیم به شیوه تخصصی به هر یک از موارد فوق پردازیم - که از حوصله این مقاله خارج است - به ذکر چند مورد اکتفا می‌کنیم:

ب-۱ پیچیدگی نحوی در این کتاب نمونه‌های فراوانی از جملات طولانی و ساختارهای ادغام شده یافت می‌شود که به پیچیدگی نحوی بیان انجامیده است. نمونه‌هایی از این پیچیدگیها ذیلاً آورده می‌شود:

... And thirdly, the machinery of deep case configurations is so simple that it lends itself to use by the applied linguist wishing to avoid involvement in the uncertainties of what syntactic deep structure to posit for any given surface structure, as is the case with the syntactic deep structures of transformational generative grammar. (p. 24)

There are, of course, obvious differences between first and second language acquisition, most important of which is that first-language acquisition is part of the whole maturational process of the child, while a second language normally begins only after the maturational process is largely complete except for such cases as simultaneous bilinguals, i.e. children who are brought up bilingually right from the beginning. (p. 36)

The study of errors, then, is part of the psycholinguistic search for the universal processes of second language learning: whether speakers of the same mother tongue learning a second language all follow the same course of development, and whether there is an internal syllabus for learning a second language which would represent the 'psychologically natural route' between mother tongue and the target language, determined by the inherent cognitive properties of the human mind but conditioned by the particular properties of the two languages involved.

[...] It is worth pointing out here that long before the theoretical dimension of error analysis came into existence, learners' errors were identified and classified by classroom teachers in an attempt to deal with their practical needs and to devise appropriate materials and techniques of teaching. (p. 47)

Having the above-mentioned 'factors' in mind, Tarone, et al. (op cit) elaborate on Selinker's definition by hypothesizing the existence of a separate linguistic or psycholinguistic system (interlanguage) which forms in the mind of the learner and which may take the form of a 'pidgin' which in turn may develop into a separate dialect in its own right. (p. 59)

As to the criteria of membership and number of categories, several revisions were made in the original taxonomy regarding the overlapping nature of some of the error types and attempts were made to amalgamate the overlapping errors and arrive at a more general and inclusive taxonomy. (p. 75)

ب-۲ واژگان نویسنده تلاش وافری به خرج داده است تا زبانی که به کار می برد خیلی تخصصی باشد، و البته اعتراضی به آن وارد نیست، زیرا زبانشناسی مقابله ای و تحلیل خطاها بحثی علمی است و هر علم سبک، ساختار و اصطلاحات خاص خود را دارد. اما نباید از نظر دور داشت که مخاطبین ما کسانی هستند که دارای زمینه و دانش کافی در این عرصه نیستند و باید حتی الامکان متناسب با سطح دانش آنان سخن بگوییم. نویسنده واژه های غیر تخصصی مورد نیاز خود را از بین واژه های "شانداز" زبان انگلیسی انتخاب کرده است. به چند نمونه از آن واژه های مشکل توجه کنید:

- arouse, advocate, disipline, paracea, controversies (p. 1)
- exploitation (p. 24)
- vacuous (p. 23)
- preoccupation (p. 2)
- rubric, enterprise, execute (p. 12)

- glare (p. 16)
- reduplicate (p. 29)
- momentum (p. 42)
- postulate (p. 56)
- explicate (p. 64)

ب-۳ چگونگی توزیع اطلاعات و سازماندهی متن یکی از نقاط ضعف عمده در بیان نویسنده کتاب به هم ریختن مرز ایجاز و اطناب (افزون‌گویی) است، بدین معنی که در مواردی که باید اصل ایجاز رعایت می‌شده افزون‌گویی و آنجا که افزودن جملات ایضاحی ضرورت داشته تنها به اشاره‌ای گذرا اکتفا کرده است. برای نمونه اصطلاحات

congruence, equivalence, correspondence

در صفحه ۳ بدون هیچ‌گونه توضیح یا ارجاعی رها شده در صورتی که بهتر بود برای این اصطلاحات با پی‌نوشت مناسب می‌آمد و یا در بخش واژه‌نامه تعریفی از هر یک داده می‌شد.

نمونه عکس این حالت در جای دیگری (ص ۸-۴۷) اتفاق افتاده است. بدین معنی که نویسنده پس از آنکه تعریفی مفید و مختصر از Objectives of Applied Error Analysis ارائه می‌دهد مجدداً موضوع را با نقل قولی از (Sridhar 1981) پی می‌گیرد. مورد مشابه دیگر مربوط می‌شود به Significance of Errors که از قول S. Pit Corder به‌طور مفصل مورد بحث قرار می‌گیرد، سپس همین موضوع از قول نویسنده دیگری (Richards, 1971) مجدداً با بیانی دیگر تکرار می‌شود.

در مورد Objectives of Theoretical Error Analysis نیز چنین است (ص ۴۶).

نویسنده تفاوت بین Interlanguage Hypothesis و Approximative System را که از سؤال برانگیزترین مسائل در ذهن دانشجویان است فقط در یک جمله خلاصه می‌کند، ولی علی‌رغم اشاره مفصل به ویژگی‌های interlanguage (ص ۸-۵۷) مجدداً در ص ۵۹ از قول (Tarone et al. 1976) به جزئیات آن می‌پردازد.

مورد دیگر مربوط به ص ۲۴، بند دوم است که در آن نویسنده با حذف مثالهای ارائه شده توسط (James 1980) به پیچیدگی موضوع دامن زده است. احساس طبیعی و منطقی هر خواننده از بخشهای فوق‌الذکر این است که نویسنده فقط قصد صفحه‌پرکنی دارد.

ج اشکالات تکنیکی

ج-۱ نویسنده در موارد متعددی از بیانات دیگر محققین بهره جسته بی آنکه به طور مستقیم و صریح به آنها اشاره‌ای کرده باشد، از جمله:

۱. در ص ۱۸ کتاب (بخش 1.7) س ۵، نویسنده ۷ سطر از کارل جیمز (۱۹۸۰) نقل کرده است، اما به دلیل عدم استفاده صحیح از علامت نقل قول، معلوم نیست که آیا مطلب بیان خود نویسنده است یا نقل قول مستقیم از جیمز است. بهتر بود این ۷ سطر با تورفتگی تایپ می شد تا این ابهام برطرف می گردید.

۲. در همان صفحه، بند ۳، س ۲-۴ از جیمز ص ۳۶، س ۷ برداشته شده بدون آنکه اشاره شود.

۳. در ص ۱۹، بند ۲، س ۷-۱۰ برگرفته از جیمز ص ۵۰ بند آخر، س ۱۱-۱۴ است اما نویسنده از اشاره به منبع اصلی چشم پوشی کرده است.

۴. ص ۲۰، بند ۲، س ۱-۴ عیناً از جیمز ص ۵۱، بند ۲، نقل شده است.

۵. در ص ۲۲-۲۱ نیز مورد مشابه به چشم می خورد که بارزترین آن نمودار پایین صفحه است که عیناً از جیمز ص ۵۲ برداشته شده است.

۶. ص ۲۳، بند آخر، س ۵-۴ از جیمز ص ۲۴ مستقیماً نقل شده و تنها اشاره‌ای که به منبع اصلی شده (cf. James, ...) است. شاید لازم به ذکر نباشد که در عرف استفاده از آثار سایر محققین، عبارت cf نشانگر نقل قول مستقیم نیست.

۷. از ص ۲۱ بند ۲ تا پایان ص ۲۲ از جیمز ص ۵۲ نقل مستقیم شده و هیچ اشاره‌ای به آن نشده است.

ج-۲ ناهماهنگی در استفاده از علائم نقطه گذاری ۱. در حالی که عبارات 'positive transfer' و 'negative transfer' بین گیومه گذاشته شده، موارد مشابه مورد اغماض قرار گرفته اند، از جمله (ص ۶۳) covertly idiosyncratic و overtly idiosyncratic و معلوم نیست چرا این عبارات برای بار دوم که ذکر شده اند با حروف خوابیده و پررنگ تایپ شده اند (ص ۷۰).

۲. در مواردی نیز ویرگول از قلم افتاده و به انتقال معنا لطمه خورده است؛ مثلاً ص ۴۴، بند ۲، س ۴.

۳. معلوم نیست چرا عبارت 'well-formed' و 'generative' با گیومه منفرد ولی "backsliding" و "Contrastive Generative Grammar" با گیومه مضاعف تایپ شده اند.

به طور کلی، به درستی معلوم نیست تفاوت بین حروف خوابیده، حروف پررنگ، گیومه و گیومه مضاعف از نظر نویسنده در چیست؟ شاید بهتر بود در ابتدای کتاب چگونگی سیستم استفاده از علائم ذکر می شد.

- ج-۳ غلطهای املائی نسبتاً زیادی در متن به چشم می خورد از جمله ۱. contrastive (ص ۱۹، بند آخر، س ۵)
۲. changing (ص ۶۱، بند ۲، س ۵)
۳. idiosyncratic و description (ص ۷۲ بخش 4.2.1)
۴. system (ص ۷۷، س ۲)
۵. representation (همان صفحه، جدول)
۶. writing (ص ۱۱۳، جدول)
۷. correction (ص ۱۲۷، بخش 5.2)

ج-۴ واژه نامه واژه نامه ناقص است. جا داشت این اصطلاحات نیز در آن گنجانده می شد:

- congruence, correspondence, equivalence
- maturational process
- interlingual, intralingual
- Generative Grammar
- Construction
- horizontal/vertical CA
- universal grammar
- internal syllabus
- taxonomy
- orthographic/phonological/syntactico-morphological, etc.

ج-۵ به طور کلی می توان گفت این کتاب اگرچه در حد یک رساله تحقیقی قابل قبول است، لیکن از نظر ویژگیهای کتاب درسی - همان گونه که اشاره رفت - نقضهایی دارد. به نظر ما، افزودن خلاصه مطالب در پایان هر یک از فصلها و آوردن سؤالاتی برای تمرین و بحث بیشتر به جنبه آموزشی کتاب خواهد افزود.

در پایان باید اضافه کنم که این بررسی به منزله خردگیری بر زحمات استادان سرشناس و

صاحبان علم نیست، چه آن که او را همتی است و دانشی، و کاری ارائه می‌دهد، شایسته تقدیر و تکریم است و البته هیچ‌کاری بی‌عیب و نقص نیست.

بیوک بهنام

Bibliography

- Farhady, H., A. Jafarpoor, P. Birjandi (1995), *Language skills testing: From theory to practice*, (2nd ed.), Tehran, SAMT.
- Mousavi, S.A. (1997), *A Dictionary of language testing*, Rahnama Publications.
- Widdowson, H.G. (1975), *Stylistics and the teaching of literature*, London, Longman.

